آینه

دیرشده آقای جهانگیری

● **عباس عبدی:**...تصور آن بود که گروه اقتصادی دولت در زیرمجموعه معاون‌اول عمل کند. من نمی‌دانم که آیا این را با آقای روحانی شرط کردند یا خیر. اگر شرط کردند و معاون‌اولی را پذیرفتند؛ دراین‌صورت در اولین لحظه‌ای که خلاف آن را دیدند، باید کناره‌گیری می‌کردند و اگر شرط نکردند که هیچ ادعایی نمی‌توانند داشته باشند. درهرصورت هنگامی که شواهد روشن حکایت از آن داشت که نه‌تنها مجموعه اقتصادی همسو با معاون‌اول نیستند؛ بلکه دایره تنگ‌تر شده است، {جهانگیری} تنها فرصت را برای کناره‌گیری از دولت از دست داد و هنگامی که حوادث دی ۱۳۹۶ رخ داد، این فرصت بیشتر از پیش از دست رفت و پس از اعلام دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی دیگر نه‌تنها نمی‌تواند چنین کند؛ بلکه معلوم نیست که نتایج مثبتی از کناره‌گیری احتمالی‌اش به دست آورد.

رازدست‌های بسته دولتمردان

● {علی ربیعی} از اثرگذاری «ذی‌نفعان من غیرحق» در فرایند انتخاب مدیران گفت که هم اهرم فشار دارند، هم ابزار نظارتی دارند و باعث می‌شوند هیچ‌گاه ساختار اداری کشور قادر نباشد بهترین مدیران را انتخاب کند. ربیعی از این گفت که در ساختار اداری فضا به نحوی شده که باید جمیع منافع ذی‌نفعان یک ماجرا، اعم از ذی‌نفع حق یا غیرحق را مدنظر قرار داد و همین به محدودسازی اختیارات مدیر می‌انجامد. شاید جواب سؤالاتی را که با اظهارات جهانگیری و شریعتمداری مطرح شده، بتوان در کلام ربیعی جست؛ شاید انباشت ذی‌نفعان نظام تصمیم‌گیری کشور را تا این حد مختل کرده است.

گزارش غلط به مراجع ندهید

● **درگفت‌وگو با آیت‌الله سیدمحمد موسوی بجنوردی:** عدم اجازه به زنان برای حضور در ورزشگاه‌ها قانون نیست. هنگامی که مجلس شورای اسلامی به این نتیجه رسیده باشد که باید قانونی را تصویب کند که زنان نباید به ورزشگاه بروند، می‌توان عنوان کرد که عدم حضور زنان در ورزشگاه‌ها به یک قانون عمومی و لازم‌الاجرا تبدیل شده است. براساس اصل «اصاله‌الاباحه» در اسلام همه چیز مباح است، مگر اینکه شرع مقدس آن را به مصلحت ندانسته و آن را حرام اعلام کرده است. قانون‌گذار اسلام نیز یا پیامبر (ص) یا ائمه اطهار هستند که حکم خدا را اجرا می‌کنند. در نتیجه حضور زنان در ورزشگاه‌ها اگر با حجاب و شئونات اسلامی صورت بگیرد حلال و مباح است و هیچ مشکلی ندارد... نباید فرض را بر این بگیریم که هر فردی در حال گناه‌کردن است. ما باید با دید مثبت و سازنده به ملت ایران نگاه کنیم... {در پاسخ به اینکه چرا برخی از مراجع با حضور زنان در ورزشگاه مخالف هستند؟} کسانی که چنین مسائلی را مطرح می‌کنند، حتما به مراجع گزارش اشتباه داده‌اند.

اربعین مثال‌آوری از جامعه آرمانی

● **عبدالله گنجی:** اربعین نمونه عینی از همسویی سنت (پیاده‌روی) و مدرنیته (ارتباطات) است که روزبه‌روز به زیبایی و شکوه آن افزوده می‌شود. شاخص‌های حاکم بر اربعینیان جذاب و توصیف‌ناشدنی است، به‌صورتی‌که با شاخص‌های زندگی عرفی و روزمره فاصله زیادی دارد... جامعه آرمانی جامعه‌ای است که ناظم نمی‌خواهد. زن و مرد در کنار هم امنیت کامل دارند، مردم برای رفع مشکلات‌شان به حکومت نیاز ندارند. همه احساس مسئولیت می‌کنند، کسی مشوق نمی‌خواهد، هیچ کس گرسنه و تشنه نمی‌ماند. نیازمندان برای رفع نیازشان به کسی رجوع نمی‌کنند؛ بلکه این کمک‌کنندگان هستند که التماس می‌کنند کمک‌شان پذیرفته شود. در جامعه آرمانی اربعین نژادها، اقوام، زبان‌ها، ملت‌ها و حتی مذاهب در کنار هم و در یک جهت و یک مسیر حرکت می‌کنند و هیچ کس احساس تبعیض و بی‌عدالتی نمی‌کند... تبلور سیاسی این جامعه آرمانی نیز بی‌نظیر است. «بزرگ‌ترین تجمع در جهان» درجه و افتخاری است که خاص اربعینیان است. این امتیاز که خارج از اراده دولت- کشورهاست، فقط در این جامعه آرمانی ثبت است.

آقای جهانگیری وعده‌هایی که دادید یادتان هست؟!

● معاون اول رئیس‌جمهور در مراسم روز ملی صادرات با بیان اینکه وقتی نمی‌تواند حتی منشی خود را عوض کند، انتظار تغییر وزرا از سوی او بیهوده است، این اظهارات مردم را به یاد مناظره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری می‌اندازد که جهانگیری به‌عنوان کاندیدای پوششی از مردم خواسته بود که وضعیت قبل و بعد از دولت یازدهم را به خاطر آورند و می‌گفت: مردم! یادتان هست... امروز از آقای جهانگیری باید پرسید وعده‌هایی که در آن روزها داده بودید را یادتان هست؟!...جالب اینکه جهانگیری از سوی حامیان دولت در سال‌های گذشته یک سوپرمن معرفی شده بود... امروز اظهار عجز و ناتوانی می‌کند و می‌گوید چه انتظاری از من دارید، من که نمی‌توانم حتی منشی خودم را تغییر داده و او را برکنار کنم!

politics@sharghdaily.ir

گفت‌وگوی کامبیز نوروزی با محسن محبی، سرپرست تیم حقوقی ایران در لاهه

آمریکا اینجا حق وتو ندارد

در مورد پرونده شکایت ایران از آمریکا، طبق ماده ۲۷ منشور، کشوری که یک‌طرف مناقشه است حق وتو ندارد

عکس: سهند تاکی، شرق

شرق: اوایل مهر بود که قرار موقت دادگاه لاهه در پرونده‌های تحریم‌های آمریکا علیه ایران، به سود ایران صادر شد، آن هم در شرایطی که روابط دو کشور از زمان روی‌کارآمدن دونالد ترامپ در سراشیبی سقوط قرار داشت. خبر پیروزی موقت ایران برابر آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری به‌سرعت می‌چرخید. اولین موضوعی هم که درباره حکم دادگاه بین‌المللی دادگستری افکار عمومی را درگیر کرده بود، موضوع ضمانت اجرائی رأی دادگاه بود. اینکه آیا آمریکا موظف است به حکم دادگاه پایبند باشد یا نه؟ اینکه اگر پرونده در جریان حل اختلاف به شورای امنیت برود، آمریکا حق وتو دارد؟ حکمی که در آن تعلیق بعضی از تحریم‌ها تا زمان رأی نهایی دادگاه دیده می‌شد. برخی اعتقاد داشتند که الزامی برای اجرای این حکم وجود ندارد و اگر پرونده به شورای امنیت برود، این کشور از حق وتوی خود استفاده خواهد کرد. موضوعات دیگری هم مطرح بود؛ اینکه چطور سیاست صندلی‌های خالی در مجامع بین‌المللی تبدیل به حضور پررنگ در این عرصه شد. حقوق‌دان‌ها از عملکرد خوب مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست‌جمهوری در چند سال اخیر صحبت می‌کردند؛ مرکزی که دکتر محسن محبی، حقوق‌دان برجسته بین‌المللی، از سال ۹۲ ریاست آن را برعهده داشت. در این شرایط کامبیز نوروزی، حقوق‌دان و روزنامه‌نگار، پیشنهاد مصاحبه با محبی را به روزنامه «شرق» داد، بعد قرار گفت‌وگو را هماهنگ کرد و در تمام مراحل آن کنار ما بود. روزی که میهمان مرکز حقوقی بودیم، پشت پنجره‌های دفتر محبی باران‌های پاییزی تازه شروع شده بودند. محبی در فضای گرمی ما را پذیرفت و در طول گفت‌وگو به همه سؤالات درباره دعوای حقوقی ایران و آمریکا پاسخ داد؛ اینکه ایران چطور در بررسی‌های حقوقی به استناد به عهدنامه مودت رسیده بود و تیم حقوقی توانسته بود به پیروزی موقت دست پیدا کند.

رأی موقتی که دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده تحریم‌ها به سود ایران صادر کرد در رسانه‌های ایران و بین مقامات سیاسی و در سایر نقاط جهان مورد توجه قرار گرفت. چنین ابتکاری در مرکز حقوقی چطور مطرح شد؟ به‌خصوص که بعد از پرونده ایرباس و سکوهای نفتی استناد ایران به عهدنامه مودت ۱۳۳۴ در اوضاع پیچیده کنونی خیلی غیرمترقبه بود، آن هم در شرایطی که روابط میان ایران و ایالات متحده آمریکا از حیث حقوقی و سیاسی حدود چهار دهه است که پرتنش دنبال می‌شود. بااین‌حال ایران در شکایتی که نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرد، باز هم به عهدنامه مودت استناد کرد. بحث را از این نقطه شروع کنیم که این ابتکار چه فرایندی را طی کرد تا به تصمیم نهایی برای ثبت این شکایت در دیوان بین‌المللی دادگستری برسید.

خوشحالم که در یک گفت‌وگوی علمی و حرفه‌ای شرکت می‌کنم. مسئله عهدنامه مودت از دهه ۸۰ میلادی مطرح بود. هنگامی بود که دیوان داوری ایران و آمریکا در چارچوب بیانیه الجزایر کارش را از سال ۶۱ شروع کرده بود و شرکت‌های آمریکایی در ادعاهایشان علیه جمهوری اسلامی به عهدنامه مودت هم استناد می‌کردند. برای دولت ایران که خوانده این دعاوی بود، کمی تعجب‌برانگیز بود که چطور آمریکایی‌ها به این عهدنامه استناد می‌کنند، درحالی‌که روابط دو کشور قطع است. بعد که مطالعات و تحقیقات انجام شد، مشخص شد قطع روابط سیاسی مؤثر در اعتبار معاهدات بین‌المللی نیست. حتی بیشتر از آن، جنگ هم در اعتبار معاهدات بین‌المللی مؤثر نیست. صدام حسین معاهده الجزایر درباره مرزهای ایران و عراق را در تلویزیون پاره کرد، اما جامعه بین‌المللی نپذیرفت و همچنان آن معاهده معتبر است.

درواقع سقوط اعتبار یک عهدنامه، مستلزم اراده مستقیم طرفین درخصوص خود عهدنامه است؟

بله. در کنوانسیون وین ۱۳۶۹، در مواد ۶۰ به‌بعد، ترتیبات خاتمه و فسخ معاهدات پیش‌بینی شده که پیچیده و مهم است. معاهدات مبنای اصلی و شاکله روابط بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. برای اینکه در عرصه بین‌المللی منشأ اصول و قواعد حقوق بین‌المللی در معاهدات است و اگر قرار باشد معاهدات به آسانی قابل فسخ باشند رژیم حقوقی بین‌الملل مستقر نخواهد شد.

درست مثل اتفاقی که امروز بین ایران و آمریکا افتاده است. البته حالا آمریکایی‌ها از عهدنامه خارج شده‌اند.

بله.

تصمیمی که ایران گرفت می‌تواند بر این پایه استوار باشد که هرچقدر هم که دعوا و بحران در روابط ایران و آمریکا هست، اما وجود یک سلسله‌قواعد حقوقی مانند عهدنامه مودت به تنظیم روابط می‌تواند کمک کند.

همین‌طور است. حقوق بین‌الملل ظرفیت‌هایی دارد. نظام حقوق بین‌الملل مبتنی‌بر همکاری است. مبتنی‌بر تبعیت نیست. در حقوق داخلی رژیم امور داخلی مبتنی‌بر تبعیت است. حتی بعضی از استادان معتقد هستند که آنارشیک و هنوز مبتنی‌بر زور است. روابط بین‌الملل سعی کرده این زور را قدری قانونمند یا تعدیل کند؛ نظام ملل متحد و شورای امنیت را به وجود آورده و اعلام کرده که جنگ ممنوع است. اگر هم کشوری می‌خواهد مداخله کند بشردوستانه باشد به شرطی است که شورای امنیت اجازه دهد. سعی کرده هرمی را از روابط ترسیم کند برای اینکه از پراکندگی در روابط بین‌الملل بکاهد. اینکه چقدر موفق بوده، مراجعه به تاریخ پاسخ می‌دهد.

اتفاقا برای کشورهایی که در روابط بین‌الملل، قدرت اقتصادی یا نظامی کمتری دارند، مقررات بین‌المللی دستاویزهای بهتری دارد که بتوانند با تمسک به آنها قدری در موازنه بین‌المللی به‌نفع خودشان اثر بگذارند. این‌طور نیست؟

به شرطی که ظرفیت‌ها را بشناسند.

به‌نظر می‌رسد در پرونده اخیر شکایت ایران علیه آمریکا به استناد عهدنامه مودت این اتفاق افتاده یعنی از ظرفیت ممکن استفاده شده. زمانی که شما این تصمیم را گرفتید تا به نتیجه عملی برسید که ایران شکایت کند، مطمئنا بررسی‌های مفصلی داشتید.

خیلی زیاد. استناد به عهدنامه مودت در دیوان بین‌المللی دادگستری تا به حال در پنج مورد اتفاق افتاده است. بعد از انقلاب یک بار آمریکا به پیمان دوستی استناد کرده و چهار بار ایران و جالب اینکه در پرونده سکوهای نفتی که آمریکا از عدم صلاحیت دفاع می‌کرد، علیه ایران به استناد همین عهدنامه دعوای تقابل طرح کرد. بنابراین در اعتبار عهدنامه مودت تردیدی نیست. دعوای اخیر ایران و آمریکا به دو اتفاق برمی‌گردد؛ اول، سونامی تحریم‌ها که از ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) بعد از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت توسط آژانس شروع شد. آن زمان در ایران این موضوع جدی گرفته نشد ولی از نظر حقوقی دوستان من در آن زمان به این موضوع پرداختند و متوجه شدند چنین امکانی برای مقابله با تحریم‌ها وجود دارد. اتفاق دومی که رخ داد، سیل دعاوی ضدتروریستی در دادگاه‌های آمریکا بود. هنگامی که آمریکا مصونیت [قضائی] ایران را برداشت.

که خلاف عرف بین‌الملل هم بود.

قطعا خلاف بود. اما به استناد درخطربودن حاکمیت و امنیت ملی خود این کار را کرد. لابد متوجه بوده که برخلاف حقوق بین‌الملل عمل می‌کند و در نتیجه مسئولیتی برای خود ایجاد خواهد کرد اما شاید منافع ملی برای آنها مهم‌تر بود.

چند پرونده در این رابطه به ثبت رسیده؟

نزدیک به ۳۰۰ پرونده. اغلب هم مربوط به مصدومان شیمیایی و صدمه‌دیدگان از جنگ است. به‌هرحال این دو اتفاق افتاده بود و ما بعد از بررسی متوجه شدیم که دو راه‌حل داریم؛ یکی راه‌حل عمل متقابل بود که قانون معروف ۸۷ اجازه می‌داد اتباع ایرانی که ادعایی علیه دولت‌هایی که مصونیت قضائی ایران را به رسمیت نمی‌شناسند، می‌توانند در دادگاه‌های ایران ادعایشان را طرح کنند -وزارت خارجه می‌گوید کدام دولت‌ها هستند (آمریکا، کانادا و آرژانتین درحال‌حاضر)- راه‌حل دیگر هم این بود که به عهدنامه مودت استناد کنند و بگویند اینکه شما مصونیت ما را به رسمیت نمی‌شناسید، خلاف عهدنامه است. در آن زمان به این نتیجه رسیدند که از راه‌حل اول استفاده کنند. عده‌ای از اتباع ایران که عموما از طبقات مستضعف و زیان‌دیده از جنگ بودند دعاوی را طرح کردند. خب دادگستری ما با این مباحث آشنایی زیادی ندارد. چون هم تخصصی است هم این بحث که چطور دادخواست دهند و چطور رأی دهند، مطرح است. به‌هرحال به زحمت این کار انجام شد و در آن زمان از ظرفیت عهدنامه مودت استفاده نشد. تا زمانی که آقای روحانی در سال ۹۲ مسئولیت کشور را بر عهده گرفت. آن وقت مسئله تحریم‌ها هم جدی بود اما چون مذاکرات برجام شروع شد و می‌رفت که تحریم‌ها را رفع کند، مسئله تحریم‌ها و عهدنامه مودت موضوعیت خود را از دست داد.

تا هنگامی که آمریکا از برجام خارج شد و ارزیابی کردیم کسانی که قرارداد بسته‌اند با بازگشت تحریم‌ها به چه سرانجامی دچار شده‌اند. عددهای بزرگی درآمد. پیش از آن، بیش از چندین میلیارد دلار قرارداد منعقد شده بود. بعد از برجام روابط اقتصادی و تجاری ایران و آمریکا بازیابی و مجددا احیا شد و عهدنامه مودت موضوعیت پیدا کرد. وقتی آمریکا از برجام خارج شد، وزارت امور خارجه تلاش‌هایی در چارچوب برجام کرد؛ مثل مراجعه به کمیسیونی که برای حل اختلاف پیش‌بینی شده بود اما در آن چارچوب نتیجه‌ای حاصل نشد. مسئله استفاده از عهدنامه مودت در بین تیم حقوقی که در پرونده دو میلیارد کار می‌کرد، مطرح شد؛ اینکه تحریم‌ها هم برخلاف عهدنامه است. چون موجود نیمه‌جانی را زنده کرده‌اند و الان می‌خواهند دوباره بکشند.

همین جا اعضای این تیم حقوقی را هم معرفی کنید.

ما در تیم حقوقی‌مان علاوه‌بر اساتید ایرانی، اساتید خارجی هم داریم. یکی از آنها آقای آلن پله در لاهه بود، وقتی با هم صحبت می‌کردیم به من گفت پنجاه‌ودومین یا پنجاه‌وهفتمین موردی است که در دیوان بین‌المللی دادگستری دفاع کرده‌ام؛ یعنی فردی بسیار حرفه‌ای است؛ استاد دانشگاه و در صحنه و عملیاتی است. پروفسور ژان مارک توومن است که به ایران هم آمده، وکیل چند بانک و شرکت ایرانی است. ایشان الان دبیرکل آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه است که مرکز علمی بسیار مهمی است که دوره‌های تابستانی معروفی دارد. پروفسور ووآ لو است که ایشان هم استاد کینگز کالج است و مردی بسیار برجسته و در حقوق بین‌الملل درجه یک است. آقای ورس وردز است که در دیوان تجارب فوق‌العاده زیادی دارد و بحث «خسارت غیرقابل جبران» را ایشان ارائه کرد که کارش درخشان بود. یکی از سخت‌ترین موضوعات بود که بتوانیم به دیوان نشان دهیم با برگشتن تحریم‌ها به ما فشار وارد می‌شود که همه قبول دارند اما اینکه نشان دهیم غیرقابل جبران است مهم بود. این افراد نزد دیوان نماینده دکترین حقوق ایران هستند.

درواقع همگی در حقوق بین‌الملل صاحب‌نظرند.

بله و مرجعیت دارند. اینها وقتی بپذیرند و قانع شوند که از موضع یک کشور در پرونده‌ای دفاع کنند، یعنی حداقل آقایی که دفاع می‌کند پذیرفته موضع ایران درست است و این در نظر دیوان بسیار مهم است؛ البته به این معنی نیست که به این بهانه برنده دعوا خواهیم شد، اما حضور این افراد در این پرونده و دعوت و قانع‌کردنشان کار بسیار بزرگی است.

در طرف مقابل هم، ایالات متحده از حیث حقوق‌دانان بین‌الملل خیلی غنی است و می‌توان گفت مهد دانش حقوق بین‌الملل است. نکته جالب اینجاست که در پرونده اخیر، استدلال ایران پیش می‌رود و ایالات متحده باوجود تمام قدرتی که در زمینه متخصصان حقوق بین‌الملل دارد، قادر به پاسخ‌گویی به استدلال وکلای ایران نیست. این امر نشان می‌دهد کار کارشناسی حرفه‌ای در حال انجام است. سرپرستی این گروه به‌لحاظ حرفه‌ای و علمی هم که برعهده خود شما بوده است.

> **تصمیم دیوان ضمانت اجرائی دارد. اما از نظر حقوقی بین حقوق‌دانان اختلاف‌نظری وجود داشته که دستور موقت مثل رأی، لازم‌الاجراست یا نه. قواعد می‌گوید رأی لازم‌الاجراست. منتها ضمانت اجرا همان‌طور که عرض کردم نباید با حقوق داخلی مقایسه شود. ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل تابع ساختار جامعه بین‌المللی است**

بله، این مسئولیت را بر عهده من گذاشته بودند و از فرصتی که برای کار با استادان خارجی پیش آمده بود، خیلی خوشحال بودم. البته باید بگویم که حقوق‌دانان ایرانی در این موضوع واقعا کمک کردند. استادان ایرانی حقوق بین‌الملل را چندبار دعوت کردیم و با آنها طرح موضوع کردیم. اظهارنظر و تذکر دادند و کار علمی دقیقی انجام شد و من از همگی تشکر می‌کنم. همکاران بنده در اینجا که استاد دانشگاه و تحصیل‌کرده حقوق بین‌الملل در دانشگاه‌های خارج هستند هم با دل و جان کار کردند. همکاران من در وزارت خارجه اداره حقوقی، به‌ویژه در زمینه بحث تحریم‌ها که بسیار تخصصی است، وجودشان و حضورشان بسیار مؤثر بود. یکی از همکاران ارشد وزارت خارجه معاون بنده بود. در داخل خیلی همکاری خوبی انجام شد. البته قبلا در پرونده سکوهای نفتی و ایرباس سرپرست دفتر ایران در لاهه بودم. مشارکت داشتم و در حد توان کمک کرده بودم، اما در این پرونده مستقیما مسئولیت هماهنگی را برعهده داشتم و امیدوارم ادامه کار هم مفید باشد.

به دستور موقتی که دیوان بین‌المللی دادگستری صادر کرد، بپردازیم. گویا حکم به اجماع صادر شده است.

در این پرونده قضات ۱۷ نفر هستند، چون آمریکا و ایران هم یک نفر را معرفی کردند. یکی از قضات، خانم داهوو، همان روزهای اول گفت که در این پرونده مشارکت نمی‌کنم. لابد به این دلیل که گاهی قاضی احتیاط می‌کند و برای اینکه بی‌طرفی‌اش محفوظ بماند، کنار می‌رود. نتیجه اینکه تعداد اعضای دیوان ۱۴ نفر شدند؛ درحالی‌که قاضی آمریکایی حضور ندارد. می‌دانید که طبق مقررات وقتی دو کشور به دیوان مراجعه می‌کنند، اگر بین ۱۵ نفری که شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد منصوب کرده است، قاضی هم‌تابعیت نداشته باشند، می‌توانند یک قاضی معرفی کنند. در نتیجه اگر آن خانم در دیوان می‌ماند آمریکا نمی‌توانست قاضی معرفی کند و چون رفت نفر دیگری را معرفی کرد، قضات ۱۶ نفر شدند.

قاضی آمریکایی هم در این پرونده حضور داشته که اصطلاحا قاضی اختصاصی یا موردی نامیده می‌شود؛ چون عضو دائمی دیوان نیست. او هم نظر موافق داد و در نتیجه تصمیم دیوان به اتفاق آرا صادر شده است.

رأی اجماعی به این شکل کم‌سابقه نیست؟

از طرف قاضی اختصاصی خیلی متداول نیست. البته قاضی اختصاصی طبق قواعد، تحت همان تعهدات سایر قضات است و باید بی‌طرف و مستقل باشد. همه احکام و مقررات که بر سایر قضات بار می‌شود، بر او هم بار می‌شود و اگر بی‌طرف نباشد قابل جرح است. معمولا گفته می‌شود نقش قاضی اختصاصی این است که موضع دولتی که او را منصوب کرده بهتر و بیشتر توضیح دهد نه اینکه حتما به‌نفع آن دولت رأی دهد. اینجا هم آقای براوور به اکثریت متصل شده و در نتیجه رأی به‌صورت اتفاق آرا صادر شده است. وقتی رأی‌گیری به اتفاق اکثریت و اقلیت مطرح می‌شود هرکدام از قضات ممکن است چیزی شبیه یک بیانیه هم بدهند.

در این پرونده دکتر جمشید ممتاز، قاضی اختصاصی ایران، هم بیانیه تخصصی داد.

این هم اقتضای کار بین‌المللی است و بعضی قضات می‌خواهند بگویند از چه راهی به این نتیجه رسیده‌اند.

صحبت از این شد که دیوان با تمام خواسته‌های ایران موافقت نکرد. خواسته‌های ایران چه بود؟

خواسته ایران پنج قسمت بود؛ یکی اینکه فورا تحریم‌ها را لغو و تعلیق کنند و دستور رئیس‌جمهور آمریکا هم باید تعلیق شود. دومین خواسته‌ای هم که بعد از برجام دادیم، مربوط به موضوع هواپیما بود؛ در واقع خواسته ما این بود که لایسنس‌ها نباید لغو شود و باید اجازه داده شود که معاملاتش انجام شود. بخش سوم این بود که در انجام دو خواسته فوق، سه ماه بعد گزارش بدهند. چهارم اینکه تضمین داده شود که اشخاص حقوقی ایرانی و آمریکایی و غیرآمریکایی از دستورات دیوان پیروی می‌کنند. در آخر هم اینکه به حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی نباید لطمه‌ای وارد شود. نکته اینجاست که این خواسته‌ها در عرض همدیگر هستند نه در طول هم؛ یعنی اگر دادگاه دومی را داده به این معنی نیست که سه و چهار و پنج را هم داده است. دیوان در موارد یک، دو و پنج به‌نفع ما تصمیم گرفت. حکم تعلیق را هم به این معنا داد که نباید اجرا شود. لایسنس‌های هواپیما، دارو و مواد غذایی را هم داد. درباره مسئله سه ماه گزارش هم سکوت کرد.

آیا این سکوت مهم است؟

برای ما که نوشته بودیم، مهم بود اما برای شما که از بیرون ارزیابی می‌کنید مهم به‌نظر نمی‌آید.

در مورد سوژه‌هایی که شخصیت حقیقی یا حقوقی غیرآمریکایی دارند، چطور؟

این هم برای ما مهم بود. در این زمینه دیوان سکوت کرده است. بیانیه دکتر ممتاز هم در همین رابطه است. موضوع این است که دادگاه در مورد قسمت فراسرزمینی‌ها سکوت کرده اما رد هم نکرده است.

پس خواسته ایران مبنی بر امنیت اشخاص ثالث در روابط تجاری با ایران از سوی دیوان نه قبول شده و نه رد؟

می‌خواهم بگویم همان مقدار دستوری که داده را نگفته که شامل ثالث نیست؛ به این معناست که هنوز هم اشخاص ثالث می‌توانند با ایران کار کنند و آمریکا مکلف است برایشان امکانات لازم را فراهم کند و حق ندارد آنها را جریمه کند.

وارد بحث اجرائی این قرار دیوان شویم. در وهله اول، آنچه به ذهن من متبادر می‌شود این است که نشان‌دهنده عدم مشروعیت اقدامات آمریکا در اعمال یکجانبه تحریم‌ها علیه ایران است. البته دیدگاه‌هایی هم وجود دارد مبتنی بر اینکه چون این قرار ضمانت اجرا ندارد، چندان مهم نیست.

دقیقا. رویکرد تقلیل‌گرایانه و مینی‌مالیستی درباره تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری دو علت می‌تواند داشته باشد؛ اول بی‌اطلاعی از ساختار جامعه بین‌الملل و تاریخچه دیوان بین‌المللی. دومین دلیل کسانی که چنین رویکردی را نسبت به حقوق بین‌الملل دارند، ناشی از مختصری غرض است. یعنی خوشحال نیستند از اینکه چنین اتفاقی افتاده و می‌شود یک دولت گردن‌کلفت را وادار به جوابگویی کرد. حتی جواب‌های آن دولت که می‌دهد قبول نشود و به تعبیر شما مشخص شود اقداماتش در حقوق بین‌الملل درست نیست و حق‌به‌جانب نیست. نباید این دستاورد را دست‌کم بگیریم. همه دنبال ضمانت اجرای حقوقی هستند و فراموش می‌کنند سازوکاری که در حقوق داخلی داریم، در حقوق بین‌الملل و برای اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی نداریم. همین مقدار که دیوان در موضوعی تصمیم می‌گیرد اعلام موضوع کند، برای ضمانت اجرائی کافی است، چون دولت را در معرض قضاوت عمومی در عرصه بین‌المللی قرار می‌دهد.

درواقع حداقلش موضع اخلاقی است که موجب می‌شود رفتار یک دولت نسبت به دولت دیگر از سوی یک مرجع معتبر بین‌المللی نامشروع شناخته شود.

ممکن است دولت‌ها از رأی تمکین نکنند اما برایشان بی‌هزینه نیست و باید تاوانش را بدهند.

بالاخره تصمیم دیوان ضمانت اجرائی دارد یا نه؟

بله. اما از نظر حقوقی بین حقوق‌دانان اختلاف‌نظری وجود داشته که دستور موقت مثل رأی، لازم‌الاجراست یا نه. قواعد می‌گوید رأی لازم‌الاجراست. منتها ضمانت اجرا همان‌طور که عرض کردم نباید با حقوق داخلی مقایسه شود. ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل تابع ساختار جامعه بین‌المللی است.

ادامه در صفحه ۱۵

نگاه

گاه بیداری اصلاحات

حسن هادی . کارشناس سیاسی

● مدتی است کشور ما روزهای سختی را تجربه می‌کند. ایران ما در تب نامهربانی‌ها و فرصت‌طلبی‌های عده‌ای گُر گرفته است. دولت با تمام آبرو و توان در حال فرونشاندن این تب است و عده‌ای دیگر با دمیدن بر آتش حرص و آز، در حال بالابردن این حرارت هستند. تندی دمیدن‌ها گاهی پرنده ذهن انسان را به سوی سریال کیف انگلیسی می‌پراند، گاهی هم به سمت هزاردستان. هریک از این دو تمثیل، تکراری است ملموس از شگردهای ناجوانمردانه متعصبان و متحجران تاریخ‌گریز؛ آنها که از ترس درس تاریخ، سر جلسه امتحانش هم نمی‌آیند و هربار اشتباهی می‌کنند که در کنار اشتباه‌های تاریخی گذشتگان در کتاب مطول تاریخ این کشور روی هم انباشته می‌شود. رنگ خوش اصلاحات از دوران مشروطه گرفته تا حماسه غرورآفرین دوم خرداد ۷۶، خاکستری شده و امیدهای طلایه‌داران اصلاحات رو به افول گذاشته است. تصویر زیبای اصلاحات در قاب‌عکس خاک‌گرفته و ترک‌خورده، چند سالی است به گوشه‌ای افتاده است. ایران در دوران امتزاج مشروعیت و مشروطیت با دخالت بیگانگان به سنگری تهی از سلاح و استراتژی بدل شد و آثار این تخلی تا امروز هم باقی مانده است. روش‌شناسی شکل‌گیری اصلاحات در ایران با نوعی انتزاع و مجامله مفهومی از معنای واقعی خود فاصله گرفته و با تقلیل ماهوی به معنای گریزپذیری از تلاش برای نجات کشور مبدل شده است. ترسی که لجام از دل مسئولان نمی‌گسلد و دست آنها را برای یاری‌رسانی به هم‌کیشان خود کوتاه‌تر کرده است. نفیر اصلاح‌طلبان صامت و بی‌اثر شده و هنوز راهی برای برون‌رفت از خواب غم‌آلود خود نیافته است. بیداری اصلاح‌مداران حاضر، در گرو بیداری ذهن شکوفای جوانانی است که حماسه‌های تاریخ‌ساز این کشو را رقم زده‌اند. لازمه بیداری اصلاحات، چرخش یکباره از حالت سکون به حالتی پویا است. انفعالی که هیچ راه گریزی از آن نیست و چه خوب است که این جهش را به درستی راهبری کرد تا اصلاحات در مسیر صحیح و منطبق بر معیارهای اصلی نظام قرار گیرد. باید برای هدایت این چرخش و بیداری راهی جست. ترس از وامداری و دنیامداری و شکیبایی‌نداشتن بر مصائب، این بیداری را به تاخیر می‌اندازد. راهی جز اصلاحات برای رهایی از بن‌بست اقتصادی و سیاسی کشور نیست. اصلاحات آن‌قدر هم که اصلاح‌ستیزان می‌گویند، لیبرال‌مآبانه نیست. اصلاحات در ایران تضمین مردم‌سالاری دینی و مولد امید به آینده‌ای درخشان است. لیبرالیسم مغایر اصلاحات در نظامی با مدل ارائه‌شده از سوی امام راحل است. موازی‌انگاری اصلاحات در نظام مردم‌سالار دینی ایران با لیبرالیسم و نئولیبرالیسم غربی یک اشتباه و تلقی ناموزون و ترویج بدبینی در میان مردم است. تاریخ بنیان‌ساز اصلاحات در دهه ۷۰ که منجر به تضعیف دشمنان نظام و خشم گروهک منافقین شده بود و نوید اقتدار روزافزون و سربلندی حکومت را به ارمغان آورده بود، هیچ‌گاه از ذهن‌ها پاک نمی‌شود. تجلیل از مفاهیم ارزشمند برخاسته از زبان سیاسیون و استقبال جهانی از آنها، موجب ارتقای عزت‌مدارانه ایران در محافل تبلیغاتی و روشنفکری در سراسر دنیا شده بود. به‌راستی خشم آن روزهای منافقین از چه بابت بود؟ تنها دلیل آن، تثبیت و رواج نگرش ایدئولوژی اسلامی به صلح و معرفی مکتبی نوین و عاری از خشونت به جهان بود که با رگبار دگم‌اندیشان آزمند به خاموشی گرایید و طعم شیرین شکوفایی، بالندگی و امید را به دوران یأس و تحریم بدل کرد. اکنون زمان بیداری است و چاره‌ای جز استقبال از این موج شکوهمند نیست؛ پس باید آغوش گشود تا جهان شاهد ظهور کشوری باشد که همگام با دین‌مداری، سردمدار برقراری صلح و مداراست.

خبر

رئیس‌جمهور نیمه اول آبان به آذربایجان‌غربی می‌رود

● **ایلنا:** استاندار آذربایجان‌غربی گفت: رئیس‌جمهور دهه نخست آبان به آذربایجان‌غربی سفر می‌کند و طرح‌های مهم عمرانی و توسعه‌ای استان در این سفر به دست ایشان افتتاح می‌شوند.

محمدمهدی شهریاری افزود: فرودگاه ماکو، راه‌آهن مراغه- ارومیه و طرح‌های گازرسانی به بیش از ۶۰۰ روستای آذربایجان‌غربی از جمله طرح‌های افتتاحی در این سفر خواهد بود. علاوه‌برآن طرح‌های بیمارستانی که به مرحله بهره‌برداری رسیده‌اند، در شهرستان‌های ارومیه و خوی با حضور رئیس‌جمهوری به بهره‌برداری می‌رسند.